

السَّلَامُ عَلَى وَدِيِّ اللَّهِ وَحَبِيْبِهِ

السَّلَامُ عَلَى خَلِيْلِ اللَّهِ وَنَجِيْبِهِ

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيَّتِهِ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ



مقدمه استاد

الحمد لله الذي تجلّى لذاته بذاته والصلاة على شواهد صفاته ومظاهر تجلّياته
سيّما سيد الكونين وجامع المرتبتين وقائد النشأتين وخالصة العالمين محمد
المصطفى وآله وذريته، مرآئ صفاته العُليا وشواهد اسمائه الحُسنى صلاةً
توازي حق إرشادهم و تكافي جزاء إحسانهم وإرفادهم.

انسان مسافر غریبی است که از راه‌های دور و دراز، عوالمی را قبل از عالم دنیا طی کرده است تا به اسفل سافلین عالم وجود رسیده است. و پس از هبوط، مخاطب به خطاب ﴿ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴾^۱ گشته و سفر پیچیده‌ای را در پیش رو دارد که در طی نمودن عقبات و گردنه‌های سخت این سفر، احتیاج به بلد راه دارد که او را از این هزار توی حیرت، به سرمنزل مقصود برساند.

امام، حقیقت مطلق و کامل همه انسان‌ها است که هر کمال و کاملی، شأنی و ظهوری از وجود امام است و لذا هر انسانی فطرتاً اشتیاق به امام دارد، اگر او را بشناسد! هر قدر معرفت بیشتری پیدا کند، اگر دچار زنگارهای حبّ دنیا نشده باشد، محبّت بیشتری نسبت به امام احساس می‌کند.

رابطه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) با افراد انسانی به مثابه رابطه روح با بدن است و توجّه و اشتیاق این وجودات نورانی نسبت به انسان‌ها از اشتیاق روح به بدن بیشتر و قرب آنها فوق مکان و زمان است. هرچند ظرف زمان و مکان هم در ایجاد این اشتیاق، نقش ایفا می‌کند.

در روایات طینت بیان شده که قلوب حضرات معصومین (علیهم السلام) از اعلیٰ علیین و ابدان ایشان از علیین خلق شده و قلوب شیعیان از علیین و بدن‌های آنها از ما دون علیین خلق شده است. لذا به واسطه این سنخیت و ارتباط، قلوب شیعیان، اشتیاق به اصل خویش دارد؛ «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ قُلُوبَنَا مِنْ طِينَةِ فَوْقِ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنْ طِينَةِ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَ خَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ فَصَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا لِأَنَّهَا مِنَّا»^۱ شیعیان از ما هستند و هر فرعی، به اصل خویش مشتاق است. و این رابطه و اشتیاق به واسطه این سنخیت، دو طرفه است چنانچه فرمود «فَقُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا وَ قُلُوبُنَا تَعْطِفُ عَلَيْهِمْ تَعْطِفُ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ وَ تَحِنُّ خَيْرٌ لَهُمْ وَ هُمْ خَيْرٌ لَنَا»^۲ عطف و مهربانی اصل به فرع نیز مانند مهربانی پدر و مادر به فرزند خویش است. و این رابطه ابوت و ولایت بین اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان ایشان یک رابطه معنوی و حقیقی است.

توجه روح به بدن، اصل به فرع، والد به ولد، ذی شأن به شأن، با توجه به سعه وجودی اطلاقی آنان است که محدود به حدود عالم مادی نمی شود و در همه زمان‌ها و مکان‌ها و بلکه فوق افق زمان و مکان، جاری و ساری است. لذا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آذَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»^۳ و نیز فرمود «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۴.

حادثه عاشورا که نتیجه تمام نبردهای حق علیه باطل در طول تاریخ انسانی است، نقطه عطف و گلوگاه تاریخ از منظر الهی است و گذشته را به آینده پیوند می دهد و همچنانکه خلاصه و نتیجه حدود هفت هزار سال تاریخ الهی انسان است که مصاف نبرد حق با باطل توسط انبیاء (علیهم السلام) و اوصیاء ایشان بوده است، در تاریخ پیش روی خویش نیز امتداد می یابد و سرنوشت تاریخی - تمدنی بعد از خود را نیز رقم می زند. لذا در عین توجه به قلّه‌های تاریخ انسانی که انبیاء (علیهم السلام) و خصوصاً انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام) و خاصه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) است، اما می توان تاریخ را به قبل و بعد از عاشورا

۱ - صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۴.

۲ - صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۴.

۳ - ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابيطالب، ج ۱، ص ۲۱۴.

۴ - ابن بابویه، محمد بن علی، عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۵.

تقسیم کرد و بر این اساس حرکت کاروانی امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت و اصحاب ایشان از مکه تا کربلا و نقطه اوج آن حادثه عظیم عاشورا را جاری کننده خون حیات در رگ‌های تاریخ بشریت برشمرد و امام حسین (علیه السلام) را قلب تپنده آن دانست.

کاروان حسینی در ادامه حرکت خود پس از عاشورا، با هدایت و ولایت امام سجاد (علیه السلام) و قافله سالاری زینب کبری (سلام الله علیها) راه خود را ادامه می دهد و قیام و نهضت عاشورا را به ثمر می رساند و در عین اسارت ظاهری، آزادگی را در عالم ثبت می کند و واقعه اربعین را رقم زده و علامتی خاص برای اهل ایمان به یادگار می گذارد که با تأسی به آن راه ایمان را بیابند و در تاریکی‌ها و سرگردانی‌ها به حیرت مبتلا نشوند؛ «لَيْسَتْ نَقْدٌ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الصَّلَاةِ»^۱ و با این حرکت کاروانی اربعین، رزمایشی را رقم بزنند که آمادگی دائمی برای نصرت و پاسخ به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» و تشقی برای دل‌های سوخته طول تاریخ به «بِأَيَّتِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»^۲ باشد.

نهضت عظیم پیاده روی اربعین با پرچم یا لثارات الحسین (علیه السلام) بستر ساز ظهور و همراهی با کاروان حسینی است که با وسعت دید توحیدی زینبی (سلام الله علیها) که «مَا زَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»^۳ و با «قدم عاشقی» وادی سلوک توحید ولایی را طی می کند تا به توحید الوهی برسد و با مشق قدم عاشقی در کوی محبت حسینی (علیه السلام) خود را از تعلقات دنیایی تکان داده و قدم به قدم به سوی معشوق حرکت می کند تا به وصال برسد و زیارت اربعین اوج وصال محب با محبوب در این سیر است که پس از آن مأموریت گسترش نصرت امام را با رفتن به شهرها و کشورهای خود پیدا می کنند تا سال دیگر با عاشقان بیشتری در این وادی حرکت کنند و سربازی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را رقم زنند.

قبل از ورود به کتاب، ذکر نکاتی را لازم می دانم:

۱- کتاب پیش رو که به مناسبت اربعین حسینی تدوین گردید، حاصل سخنرانی‌های

۱ فرازی از زیارت اربعین، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۹۱.

۲ کامل الزیارات، ص ۲۱۳.

۳ لهوف، ص ۶۱.

اینجانب در چند سال اخیر است که بخشی از آن توسط فاضل گرانقدر آقای محمد حسین صالحی در سالهای گذشته تدوین اولیه شده بود و بخش عمده ای از آن هم به صورت فیش و متن سخنرانی دست نخورده باقی مانده بود که مجموع آن به همت جدی فضلالی گرانقدر آقایان، علی جعفری هُرستانی، سید محمدرضا فقیه ایمانی و حسین قاسمی به صورت مجموعه فعلی برای شیفتگان کاروان اربعین حسینی عرضه می شود.

۲- به دلیل پراکندگی مباحث مختلف ارائه شده در طی چند سال گذشته، سطح مباحث تدوین شده یکسان نمی باشد و به همین دلیل به صورت سه گفتار مستقل و در عین حال مرتبط با هم تدوین گردید. که گفتار اول آن در بردارنده نگاه تاریخی-تمدنی به جریان نبرد حق و باطل و نقش انبیاء الهی در تاریخ انسانی و تبیین جایگاه حماسه عاشورا و توجه انبیاء و اولیاء الهی به آن، به عنوان گلوگاه تاریخ در این سیر و نسبت یابی اربعین به عنوان فعلیت و امتداد ظرفیت‌های عاشورا برای مقدمه سازی ظهور است. گفتار دوم این مبنا را با نگاهی عینی و مصداقی و با تدبّر و تجربه اندیشی در متن حماسه پیاده روی اربعین همراه می سازد و تلاش می کند با نگاهی تحلیلی و مصداقی به نهضت اربعین ظرفیت آن را به عنوان یک الگوی اجتماعی و تمدنی تحلیل کرده و در نهایت به آسیب شناسی اربعین بپردازد. در گفتار سوم تلاش شده است، به زیارت اربعین به عنوان فصل اخیر و کمال غایی زائر نگاه شده و شرحی هر چند مختصر بر متن زیارت نامه اربعین، با این مبنا ارائه شود.

۳- مخاطبان این اثر همه عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) هستند که در عصر سردی روابط انسانی و ایمانی، عاشقانه و با گرمی محبت حسین (علیه السلام)، قدم در وادی عشق گذاشته اند و در پی احیای جمعی نشانه پنجم اهل ایمان در پیاده روی اربعین می باشند، به همین جهت نام کتاب «قدم عاشقی» گذاشته شده است.

۴- با توجه به اینکه گفتار اول این کتاب مربوط به مبانی بحث است و دوستانی که حوصله مبانی را ندارند می‌توانند از گفتار دوم آغاز کنند.

۵- این اثر در ایام عزاداری سید و سالار شهیدان در دهه اول محرم نهایی گردید و مراحل پایانی آن با دیدار رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی با موکب داران اربعین حسینی برای اولین بار مقارن گردید لذا پس از تدوین اثر، گزیده ای از بیانات ایشان به عنوان حسن مطلع و پیشگفتار به کتاب افزوده شد.

در پایان جا دارد از مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگران پرانگیزه و جهادی آن در تدوین اثر تشکر کرده و همچنین از همراهی صمیمانه آقای پیرمردیان مدیر نشر معارف و مجموعه نشر معارف که زحمت ویراستاری، طراحی و چاپ این کتاب را عهده دار شدند، تشکر داشته و از خدای سبحان تقاضا کنیم که در دنیا و آخرت، لحظه ای سایه ولایت از سرمان کوتاه نشود و توفیق شرکت در نهضت عظیم اربعین نصیب همه ما شود.

خداوندا! با فقر و گدایی به پیشگاه عزت و عنایت تو و به آستان ولایت مقربان درگاهت آمدم. بدین درگاه بارمان ده و از جام ولایی رحمانی و رحیمی خویش کاسه گدایی ما را لبریز کن. آمین یا رب العالمین

قم مقدس - محمد رضا عابدینی

محرم الحرام ۱۴۴۱ - شهریورماه ۱۳۹۸

